

اختلافات واجبی ماده‌های ماضی و مضارع در زبان فارسی

دکتر مه‌ری باقری*

چکیده: در زبان فارسی تکواژ سازنده ماده ماضی به سه گونه: - بد، - د، - ت ظاهر می‌شود. بنابراین، طبق قاعده می‌باید تنها اختلاف میان ماده‌های ماضی و مضارع هر فعل، یکی از سه گونه تکواژ یاد شده باشد مانند: خر - خرید، خوان - خواند، گش - گشت. ولی در بسیاری از موارد، علاوه بر این تکواژ ماده‌ساز، تفاوت‌های واجی گوناگونی نیز وجود دارد که البته با توجه به تاریخ زبان فارسی تمامی آن اختلافات قابل توضیح است. به طور کلی می‌توان سه علت برای تفاوت‌های واجی ماده‌های ماضی و مضارع برشمرد به این شرح: اختلاف ریشه‌ها، دگرگونی‌های آوایی، روش‌های گوناگون ساخت ماده‌های مضارع در فارسی باستان.

کلیدواژه: ماده مضارع، ماده ماضی، تکواژ ماده ماضی‌ساز، اختلافات واجی افعال، واج‌شناسی فارسی.

یکی از موارد قابل توجه در ساختار زبان فارسی اختلافات واجی ماده‌های ماضی و مضارع است. توضیح اینکه، ضمن مقایسه صورت‌های گذشته و حال افعال فارسی، مشخص می‌گردد که در اغلب موارد، ماده ماضی تنها یک تکواژ ماده‌ساز افزون بر ماده مضارع دارد که بازمانده یک ساخت قدیمی زبان است. زیرا از نظر تاریخی، ماده ماضی

فارسی دنباله تحول یافته صفت مفعولی فارسی باستان است و صفت مفعولی در فارسی باستان با افزودن تکواژ -ta- یا گونه دیگر آن -ita- به ریشه حاصل می‌گشت. در تحول تاریخی زبان، از دوره باستان به دوره میانه، مصوت پایانی این تکواژ حذف گشته و در نتیجه، تمامی ماده‌های ماضی در دوره میانه به واج «ت» ختم می‌شدند.

در یک تحول آوایی دیگر از دوره میانه به دوره جدید، چنانچه واج پیش از «ت» یکی از مصوت‌ها و یا «ر» یا «ن» باشد، واج «ت» که بستواج بی‌واک است، بدل به صورت واکدار خود، یعنی «د» می‌شود. بنابراین، در دوره جدید تکواژ ماده ماضی ساز زبان فارسی به سه گونه: -ت، -د، -ید، ظاهر می‌گردد.

بدین ترتیب در بیشتر افعال تنها تفاوت موجود میان دو ماده ماضی و مضارع، گونه‌های سه گانه تکواژ یاد شده است. مانند: گشت / گشت / خور - خورد / رس - رسید و غیره.^۱

با اینکه در برخی از افعال تنها همین اختلاف ساختاری میان دو ماده ماضی و مضارع وجود دارد، در موارد متعددی تفاوت‌های واجی دیگری نیز به چشم می‌خورد که نیاز به توضیح دارد. به طور کلی دلیل این اختلافات را می‌توان با بررسی تحولات تاریخی زبان فارسی به ترتیب زیر برشمرد:

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

الف - اختلاف ریشه‌ها

ماده‌های ماضی و مضارع افعال، در اغلب موارد از ریشه‌ای واحد گرفته شده است. ولی در مواردی نادر، هر یک از این دو ماده از ریشه‌ای جداگانه مشتق شده است، مانند «دیدن» که ماده ماضی آن از ریشه -dī- و مضارع از -vain* گرفته شده است و «آمدن» که ماده ماضی آن از ریشه -gam- و ماده مضارع آن از ریشه -ay- مشتق است.

۱. برای توضیح و امثلة بیشتر نک: «باقری، مهری (۱۳۸۴): ص ۱۹۴ به بعد.

ب - دگرگونی‌های آوایی

دگرگونی‌های آوایی را می‌توان مهم‌ترین دلیل ناهمگونی واج‌ها در ماده‌های ماضی و مضارع به شمار آورد. به سخن دیگر، تحولات آوایی که به صورتی منظم و مطابق قوانینی مشخص روی می‌دهند، اغلب موجب پدید آمدن اختلافات واجی بین دو ماده ماضی و مضارع از یک فعل واحد می‌گردند. برای روشن‌تر شدن موارد این دگرگونی‌های آوایی، می‌باید به تأثیرپردازی واج‌های هم‌نشین در یک زنجیره آوایی توجه کرد و برخی از قواعد تحولات صوتی را در نظر گرفت؛ زیرا دگرگونی و تغییر اصوات زبان در یک کلمه اغلب با اصوات هم‌نشین و جانی آنها ارتباط دارد و بر اثر فرایندهای واجی، به ویژه همگون‌سازی و دگرگون‌سازی، صورت می‌گیرد. مثلاً، واج «ج» در کنار مصوّت تبدیل به «ز» می‌شود، ولی اگر در مجاورت «ت» قرار بگیرد، بدل به «خ» می‌گردد. بنابراین اگر ریشه فعلی به «ج» ختم شود، در ماده ماضی تبدیل به «خ» می‌شود، زیرا - همچنان‌که در بالا ذکر شد - واج پایانی ماده‌های ماضی «ت» است - و در صرف ماده مضارع چون شناسه‌ها با مصوّت شروع می‌شوند، واج «ج» به «ز» تبدیل می‌شود. مانند: تاز -، سوز -، ساز -، ریز -، دوز -، افروز -، که ماضی آنها تاخت، سوخت، ساخت، ریخت و افروخت است. همچنین بستواج بی‌واک «پ» در کنار مصوّت به صورت واگذار خود، یعنی «ب» و در کنار واج دندانی «ت» - چون هر دو بستواج هستند - تبدیل به «ف» که سببواج است، می‌شود.^۱ از این‌رو، اگر ریشه فعلی به «پ» ختم شده باشد، در ماده مضارع «ب» و در ماده ماضی «ف» ظاهر می‌شود. مانند تافت، کوفت، رُفت، آشفت که مضارع آنها تاب -، کوب -، روب - و آشوب -، است. نیز اگر در ریشه فعلی واج «ه» موجود باشد، در ماده مضارع باقی می‌ماند، ولی در ماده ماضی در مجاورت «ت» بدل به «س» می‌شود. مانند: ره -، جَه -، کاه -، خواه - که ماضی آنها رست، جست، کاست و خواست است. یکی دیگر از این‌گونه تحولات صوتی مربوط به واج «د» است که در کنار مصوّت به «ی» و در کنار «ت» به «س» تبدیل

۱. برای توضیح بیشتر در مورد تحولات واجی نک: باقری، مهری (۱۳۸۰): بخش تحولات تاریخی «ب» و «ج».

می‌شود. بنابراین، اگر ریشه فعلی به «د» ختم شود، این واج در مضارع به «ی» و در ماضی به «س» بدل می‌گردد، مثل: جُست، رُست، سُست که مضارع آنها جوی -، روی - و سوی - است. همچنین اگر در ریشه‌ای واج «ر» موجود باشد، در ماده مضارع باقی مانده و در ماده ماضی در مجاورت «ت» بدل به «ش» می‌گردد، مانند: دار -، گذار -، گذر -، انبار -، کار -، گمار - و غیره که ماضی آنها: داشت، گذاشت، گذشت، انباشت، کاشت، گماشت و نظایر اینها است. نکته قابل توجه در مورد اخیر آن است که چنانچه در ماده ماضی واج «ر» باقی بماند، به یقین تکواژ ماده‌ساز، یعنی «-ت» تبدیل به صورت واکنار خود یعنی «د» می‌شود. هم از این رو است که گاه از چنین افعالی دو صورت تلفظی مختلف در زبان به کار می‌رود، نظیر: گمارد / گماشت - گذارد / گذاشت - انگارد / انگاشت و غیره.^۱

ج - روش‌های گوناگون ساخت ماده‌های مضارع در فارسی باستان

سومین اختلافات واجی موجود در ماده‌های ماضی و مضارع یک فعل، ناشی از شیوه‌های گونه‌گون و متعدد ساخت مضارع در زبان فارسی است که از دوره باستان تا کنون در زبان برجای مانده است. توضیح اینکه - در تحوّل تاریخی زبان - از اجزای صرفی ماده مضارع ساز باستانی، تنها مصوّت‌های پایانی حذف می‌شود و واج‌های صامت یا همخوان، همچنان در ساخت مضارع باقی مانده و تا فارسی جدید نیز رسیده است. برای مثال یکی از طرق ساختن ماده مضارع فارسی باستان، افزودن جزء ماده‌ساز -nu- یا -nā- به ریشه است، مانند -čīnu- که از ریشه -čī- گرفته شده است و یا -āfrīnā- که از -ā + frī- مشتق است و با حذف مصوّت پایانی، صورت‌های فارسی آنها به ترتیب «چین» و «آفرین» است. در حالی که در ماده ماضی یعنی «چید» و «آفرید» واج «ن» وجود ندارد.

یکی دیگر از روش‌های ساخت مضارع فارسی باستان، افزودن واج «ن» به پیش از

۱. باقری، مه‌ری (۱۳۸۴): ص ۲۰۱ به بعد.

آخرین صامت ریشه است. چنانکه در مصادری چون سفتن، آهیختن، سختن و مانند اینها که در ماده ماضی واج «ن» ندارند، در ماده مضارع «ن» ظاهر می‌شود:

سنب / سفت، آهیخت / آهنج، سخت / سنج.^۱

شیوه دیگری از ساخت‌های متعدّد ماده مضارع فارسی باستان افزودن -ya و -aya به ریشه است و در چنین مواردی، واج «ی» تا فارسی جدید در ماده‌های مضارع باقی مانده است مانند: زاید، ستای، آلی، آسای، آزمای - و نظایر اینها که در ماده ماضی شان «ی» وجود ندارد: زاد، ستود، آلود، آسود، آزمود و غیره.^۲

طریقه دیگری از ساخت مضارع در فارسی باستان، تکرار ریشه است که مثلاً از ریشه -da (dā-) ماده دادā- حاصل می‌آید و با حذف مصوّت پایانی و تبدیل «د» به «ه» صورت «ده» به فارسی رسیده است.^۳ در حالی که در ماده ماضی از مصدر دادن واج «ه» وجود ندارد.

بدین ترتیب، می‌توان اختلافات واجی ماده‌های ماضی و مضارع افعال در زبان فارسی را ناشی از این سه علت عمده دانست:

۱- اختلاف ریشه‌ها.

۲- تحولات تاریخی اصوات.

۳- شیوه‌های متعدّد و گونه‌گون ساخت ماده مضارع در فارسی باستان.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. برای آگاهی بیشتر در مورد تحولات واج‌های دیگر این افعال نک: باقری، مه‌ری (۱۳۸۰): بخش تحولات «ب» و «ج».

۲. برای اطلاع بیشتر در مورد چگونگی دگرگونی‌های دیگر این افعال نک: همان (۱۳۸۰)، بخش تحولات واج «و»؛ همان (۱۳۸۴)، ص ۲۰۴ به بعد.

۳. تبدیل «د» به «ه» را می‌توان در واژه‌های دیگری نظیر: سیاه، ماه، خواهر- و غیره نیز مشاهده کرد. همان (۱۳۸۴)، ص ۱۲۰-۱۲۱.

کتابشناسی

- باق‌ری، مه‌ری (۱۳۸۰): واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی، تهران، قطره.
- _____ (۱۳۸۴): تاریخ زبان فارسی، تهران، قطره.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۰، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴): تاریخ زبان فارسی، سه جلد، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- Bartholomae, chr. (1904): Altiranisches Wörterbuch, Strassburg.
- Horn, p. (1974): Grundriss der Neupersischen Etymologie, NewYork.
- Hübschmann. H. (1887): Persische studien, Strassburg.
- Kent, R. G. (1953): Old Persian, New Haven.
- Mac Kenzie , D. N. (1971): A Concise Pahlavi Dictionary.
- Nyberg, H. S. (1964): A Manual of Pahlavi, Wiesbaden.
- Tolman, H.C. (1908): Ancient Persian Lexicon and Texts, Nashville.